

# تهدید داعش برای جمهوری اسلامی ایران و اصول راهنمای مقابله با آن

فرزاد پورسعید\*

## اشاره:

در ماه‌های محرم و صفر مطابق با آبان و آذرماه سال جاری، جمهوری اسلامی ایران در معرض تهدید تروریستی عمدتاً کلامی داعش قرار داشت. در این مدت، همچنین مقامات امنیتی و انتظامی کشور از دستگیری تعدادی از تروریست‌های داعش و خنثی‌سازی عملیات تروریستی آنها در داخل کشور خبر دادند و پلیس در تهران مانور ضدتروریستی برگزار کرد. نوشتار حاضر ضمن مرور مختصر این موارد، به تبیین تهدیدات محتمل داعش برای جمهوری اسلامی ایران و نحوه مقابله با آنها در قالب اصول راهنمای راهبردی می‌پردازد.

## مقدمه

را در جریان موضوع تهدید تازه قرار داده است. در همین چارچوب، سردار بهمن ریحانی، فرمانده سپاه نبی اکرم کرمانشاه روز سه‌شنبه ۲۶ آبان در یک نشست خبری از دستگیری تیمی خبر داد که تجهیزات و جلیقه‌های نظامی و بمب ساعتی داشته است. او گفت که در شمال غربی و غرب ایران «افراد کرایه‌ای دشمن» در برخی موارد اقداماتی داشته و در آینده هم ممکن است چنین اقداماتی داشته باشند.

پیش از این نیز «ایمن الظواهری» رهبر القاعده، در فایل صوتی که روز یکشنبه ۱۲ آبان بر روی اینترنت قرار داده شد، از حامیان خود خواست متحد شوند و اختلاف‌ها بین القاعده و داعش را کنار بگذارند. وی گفت: «آمریکایی‌ها، روس‌ها، ایرانی‌ها، علوی‌ها و حزب الله در جنگ علیه ما متحد شده‌اند. آیا ما نمی‌توانیم جنگ میان خودمان را متوقف نمایم تا بتوانیم همه انرژی و نیروی خود را متوجه آنها کنیم؟»

به لحاظ تهدیدات مجازی نیز سید کمال هادیان‌فر رئیس پلیس فتا روز دوشنبه ۱۶ آذر در جمع خبرنگاران با بیان اینکه پلیس صفحات پروفایل‌های گروه‌های تروریستی از جمله داعش را رصد می‌کند، گفت: «در هشت ماهه امسال ۱۳۲ سایت که اقدام به حمایت از گروه‌های تروریستی و داعش کرده بودند، شناسایی و حذف شدند». وی افزود: «علاوه بر ۱۷۵ صفحه منتسب به داعش که از سوی تلگرام حذف شد، پلیس فتا نیز تعدادی از سایت‌ها و پروفایل‌های منتسب به گروه‌های تروریستی و داعش را در کشور شناسایی کرده است». وی گفت: «در یک سال و هشت ماهه گذشته، پلیس فتا ۲۸۵ سایت و پروفایل حامی داعش و گروه‌های تروریستی را شناسایی کرده است. از این تعداد ۱۰۸ سایت در خارج از کشور بوده که از طریق اینترنت با آنها برخورد شده و

سید محمود علوی، وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی، روز سه‌شنبه ۱۹ آبان از دستگیری «بیش از ۳۰ نفر از عوامل تروریستی» در نقاط مختلف ایران از جمله استان‌های غربی کشور خبر داد. وی گفت که بیش از ده نفر از این افراد در چهار استان گلستان، مازندران، تهران و سیستان و بلوچستان دستگیر شده‌اند و بیش از ۲۰ نفر دیگر نیز در «غرب» ایران. به گفته وی آنها «دنبال این بودند که در برخی از استان‌ها عملیات تروریستی انجام دهند و خودروی افراد را به زور از آنها گرفته و آنها را به قتل رسانده بودند که همگی شناسایی و دستگیر شدند و بدین ترتیب عملیات‌هایی که به دنبال انجام آن بودند، خنثی شد». وزیر اطلاعات توضیح داد افرادی که در غرب ایران دستگیر شده‌اند، «به مقصد سوریه و عراق تحرکاتی داشتند». پس از آن، ابراهیم الجعفری، وزیر خارجه عراق، روز شنبه ۲۳ آبان اعلام کرد که سرویس اطلاعاتی کشورش به اطلاعاتی دست یافته که نشان می‌دهد فرانسه، ایالات متحده و ایران در میان کشورهای هستند که تروریست‌ها قصد دارند آنها را هدف حملات تازه خود قرار دهند. وزیر خارجه عراق این مطلب را در پیامی اینترنتی در حاشیه گفت‌وگوهای وین درباره بحران سوریه اعلام کرد. وی در این باره به خبرنگاران گفت که ایران، فرانسه و ایالات متحده

۳۴ صفحه پروفایل غیر فعال بودند». رئیس پلیس فتا اضافه کرد: «۵۳ نفر نیز از حامیان تفکر داعش که در داخل کشور اقدام به حمایت از این گروه در فضای مجازی کرده بودند، دستگیر شدند که این افراد به محاکم قضائی معرفی شدند. برخی از آنان از روی غفلت یا ناآگاهی اقدام به این کار کرده بودند که با تعهد آزاد شدند، اما کسانی که به جرم خود اقرار داشتند، دستگیر شدند». به گفته وی، عمده این افراد در استان‌های مرزی کشور بوده‌اند. در آذرماه نیز ناجا مانورهای «ضد تروریستی» در تهران برگزار و تدابیر ویژه‌ای را در این شهر اتخاذ نمود. علاوه بر استقرار نیروهای ویژه در مرزها، روز شنبه ۷ آذرماه، نیروی انتظامی مانورهای «ضد تروریستی» و تمرین برای مقابله با «تهدیدات احتمالی» در تهران را به اجرا گذاشت. حسین ساجدی‌نیا، فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ نیز روز شنبه ۷ آذرماه با بیان اینکه پلیس در مقابله با تهدیدات احتمالی آمادگی کامل دارد، گفت: «در این تمرین‌های عملیاتی، از نیروهای یگان ویژه، یگان امداد، تیم‌های چک و خنثی‌سازی بمب، واحدهای ۱۱۰ و نیروهای نامحسوس مرد و زن استفاده شده و به طور قطع این اقدام باعث ایجاد آرامش و ارتقای احساس امنیت شهروندان خواهد شد». این موارد جملگی نشان می‌دهند تهدید تروریستی داعش علیه حوزه امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران، از سوی نهادها و دستگاه‌های امنیتی و انتظامی کشورمان جدی و با احتمال بالا ارزیابی می‌شود. از این رو، می‌بایست راهبرد جامعی برای مقابله با تهدید داعش تدوین و عملیاتی شود. لازمه این مهم البته شناخت درست از تهدیدات محتمل این گروه از یک سو و ماهیت و زمینه‌های شکل‌گیری آن از سوی دیگر است.

### تهدیدات داعش برای ایران

می‌توان چهار تهدید عمده را که از سوی داعش برای جمهوری اسلامی ایران متصور است، این‌گونه برشمرد: نخستین تهدید فرسایش و تضعیف عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه‌ای و یا در واقع، تلاش برای محدودسازی قدرت ژئوپلیتیک ایران است که هم‌اکنون در کشورهای عراق، سوریه و لبنان در فاز عملیاتی قرار دارد و در حال بالفعل شدن است. این تهدید از دو منبع شکاف شیعه/سنی (قومی - مذهبی) و ساختگی بودن کشورهای خاورمیانه یا قراردادی بودن مرزهای آنها (جغرافیایی) تغذیه می‌کند و هدف از آن تضعیف بعد فراملی و منطقه‌ای قدرت جمهوری اسلامی و محدود کردن آن به درون مرزهای ایران است. در واقع، عراق واجد اهمیت استراتژیک برای امنیت ملی کشورمان است که حفظ و اهتمام به آن در مدیریت هر بحران منطقه‌ای

می‌بایست در زمره اصول راهنمای مدیران بحران قرار گیرد. این کشور به عنوان دروازه جهان عرب، به پلی برای جمهوری اسلامی ایران در برابر این فضای جغرافیایی تبدیل شده است. به بیان دیگر، به لحاظ ژئوپلیتیک، عراق به واسطه مرزهای طولانی با ایران قابلیت آن را دارد که نقش سد یا پل را در برابر ایران ایفا کند، یعنی یا مانند دوره صدام در نقش مهارکننده ایران ظاهر شود و یا در شرایط حاکمیت شیعیان، به پلی برای ایران تبدیل شده و عمق استراتژیک کشورمان را تا مرزهای اردن گسترش دهد. این قابلیت دوگانه موجب شده فرایند سیاسی-امنیتی در عراق همواره به محملی برای رقابت بازیگران منطقه‌ای بر سر گسترش حوزه نفوذ خود در این کشور تبدیل شود. یکی از اهداف داعش در عراق نیز تحت تأثیر قرار دادن همین معادله است.

تهدید دوم را می‌توان انجام عملیات تروریستی و ایذایی در حوزه امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران دانست که البته تا کنون عملیاتی نشده ولی بنابر اظهارات و تلاش‌های دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی کشور، کنش‌های متعدد داعش در این حوزه تاکنون شناسایی و خنثی شده است. اگرچه به نظر می‌رسد داعش هنوز به طور جدی وارد این فاز نشده و تلاش‌های کنونی عمدتاً با هدف تثبیت موقعیت خود در عراق و سوریه و انحراف افکار عمومی صورت می‌پذیرد و در عین حال، به چالش کشیدن اقتدار امنیتی و اشراف اطلاعاتی جمهوری اسلامی را نیز مد نظر دارد. در چارچوب این تهدید به نظر می‌رسد داعش در شرایط کنونی در وضعیت شبکه‌سازی (مجازی و واقعی) در داخل جامعه ایرانی و جمع‌آوری اطلاعات و شناسایی آسیب‌پذیری‌های امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران است.

است. در واقع، داعش نوعی تهدید گفتمانی و نرم در برابر گزاره‌های ایدئولوژیک و عناصر گفتمانی نظام جمهوری اسلامی به شمار می‌رود. داعش بر مبنای عملکرد رسانه‌ای و به ویژه با تکیه بر ابزارهایی چون دایق، در حال صورت‌بندی نوع چارچوب گفتمانی و ایدئولوژیک از طریق مفصل‌بندی برخی مفاهیم همچون امامت، رهبری، اطاعت، هجرت، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و مانند آنهاست که نقطه کانونی آنها را مفهوم «دولت اسلامی» تشکیل می‌دهد که همچون نخ تسبیحی همه این مفاهیم و گزاره‌ها یا عناصر گفتمانی را در چارچوبی منسجم معنادار کرده و در عین حال، با دو عنصر خشونت تروریستی و تکفیر، درآمیخته به گونه‌ای که لزوماً حتی با برداشت اهل سنت از این مفاهیم منطبق نیست. بنابراین، این مفصل‌بندی مفهومی و گفتمانی نوعی چالش نرم و در واقع تهدید نرم علیه چارچوب گفتمانی است که نظام جمهوری اسلامی ایران بر مبنای آن شکل گرفته است. دلیل این امر آن است که اولاً مفاهیم پیش گفته و مضامین تحلیلی در رویکرد گفتمانی داعش، همگی از جمله مهم‌ترین مفاهیم و مضامینی هستند که چارچوب گفتمانی جمهوری اسلامی ایران بر پایه آنها شکل گرفته و ثانیاً تهدید این چارچوب چون از جنس تهدید نرم است، می‌تواند بسی پایدارتر و ماندگارتر از خود تهدید داعش باشد و چنانچه حتی بتوان داعش را در عرصه میدانی و عملیاتی و در چشم‌انداز زمانی کوتاه یا میان‌مدت، نابود کرد یا عقیم نمود، باز هم در چشم‌انداز بلندمدت، این تهدید نرم چالش‌برانگیز خواهد بود و طول عمری بیش از حیات داعش خواهد داشت.

### ماهیت داعش و بسترهای شکل‌گیری آن

چنانکه گفته شد، برای پردازش استراتژی ضد داعش می‌بایست به شناختی جامع از ماهیت این گروه و بسترهای شکل‌گیری آن دست یافت. بر این اساس می‌توان چستی داعش و چگونگی شکل‌گیری آن را در ده گزاره کلی خلاصه کرد.

گزاره اول این است که داعش محصول خلاء قدرت و فروپاشی نظم منطقه‌ای در خاورمیانه و به ویژه زیرمجموعه امنیتی شامات است. شرایط خلاء قدرت را می‌توان در سه بعد قدرت سیاسی، نظامی و امنیتی و متأثر از شکنندگی دولت‌ها، تکانه‌های ناشی از بهار عربی و خروج نیروهای آمریکایی از عراق و افغانستان دانست. در سوریه، بی‌ثباتی سیاسی داخلی این شرایط را فراهم آورد. در عراق اختلاف گسترده گروه‌های سیاسی و تأخیر در شکل‌گیری نهادهای رسمی قدرت و همچنین ضعف ارتش عراق سبب‌ساز این فرصت شد. علاوه بر این، برنامه دولت آمریکا برای

تهدید سوم که عمدتاً بالقوه است و بالفعل شدن آن بسیار دشوار می‌باشد، شکل‌گیری نوعی داعش ایرانی یا شاخه ایرانی داعش است. این شعبه می‌تواند از یک شبکه عملیاتی تا گرگ‌های تنها، منزوی و غیرسازمانی را شامل شود، ولی چالش مهم شکل‌گیری آن، اجتماعی شدن این شبکه است. داعش در هیچ کشوری بدون بر خورداری از یک بستر اجتماعی مناسب و اتکا به عقبه اجتماعی، شکل نگرفته و این در حالی است که پذیرش اجتماعی داعش و دقایق و عناصر گفتمانی آن در جامعه ایرانی بسیار دشوار و تا حدی ناممکن است. اجتماعی شدن یا نهادینگی اجتماعی، مرحله مهمی در تکوین گروه‌های تکفیری است و موجب می‌شود افراط‌گرایی مذهبی صبغه و پشتوانه اجتماعی یافته و حذف آن تقریباً ناممکن شود. اهمیت راهبردی این ویژگی آن است که در عین حال که تحریک‌کننده نیست و حساسیت دیگران را بر نمی‌انگیزد، به عمق لایه‌های اجتماع نفوذ کرده و ریشه می‌دواند، به گونه‌ای که مقابله با آن بسیار دشوار می‌شود. تلاش هشتادساله اخوان المسلمین در کشورهای مختلف و تشکیل شبکه گسترده اجتماعی با همین هدف بوده است. در عین حال، خشونت از نوعی که داعش آن را اعمال می‌کند و «خلافت» که آرمان سیاسی داعش است، فاقد پذیرش اجتماعی در جامعه ایرانی‌اند. البته، این به معنای آن نیست که دشمنان جامعه ایرانی و یکپارچگی آن از بسترسازی اجتماعی برای شکل‌گیری داعش ایرانی غافل بمانند یا ناامید شوند. به هر ترتیب، بالفعل شدن این تهدید می‌تواند در نهایت منجر به شکننده شدن دولت در ایران شود و تهدید تروریسم تکفیری را در ایران، درونی و جغرافیایی کند. تهدید چهارم، از نوع نرم و گفتمانی

انتقال نیروهای نظامی خود از خاورمیانه به خاور دور این فرصت مهم را برای گروه‌های مذکور به ارمغان می‌آورد. در لیبی نیز شرایط عدم تثبیت سیاسی پس از انقلاب موجب شکل‌گیری این فرصت برای گروه‌های افراطی و داعش شده است.

داعش بر نوعی آسیب روان‌شناختی جامعه اسلامی یا مسلمانان سرمایه‌گذاری کرده است که این آسیب معلول تجاوزگری، اشغال‌گری و تحقیر و سرکوب جوامع شرقی و مسلمان از سوی قدرت‌های بزرگ و به ویژه غربی در طول تاریخ است و پتانسیل بسیاری دارد برای اینکه حس انتقام‌جویی و انتقام‌گیری را به ویژه در میان جوانان این جوامع برانگیزاند؛ کما اینکه برانگیخته و داعش از آن بهره می‌برد

بسیاری دارد برای اینکه حس انتقام‌جویی و انتقام‌گیری را به ویژه در میان جوانان این جوامع برانگیزاند؛ کما اینکه برانگیخته و داعش از آن بهره می‌برد. ابوبکر البغدادی هنگام اعلام خلافت در مسجد موصول و در خطبه‌های نماز جمعه، در سخنان خود بیش از همه بر عنصر «پایان تحقیر مسلمانان» به واسطه اعلام «دولت اسلامی» تأکید کرد: «ای مسلمانان، مؤذنه بر شما، انتظار به سر آمد. سرهایتان را بلند کنید. امروز به فضل الهی، شما دارای یک خلیفه و یک دولت متحد شدید... به زودی به اذن خداوند، روزی خواهد آمد که مسلمین، هر جا که قدم می‌گذارند، چونان ارباب و صاحب امر، با افتخار و با احترام و سربلندی و عزتی شایسته‌اند. هر کس که جرئت اهانت به او را داشته باشد، مجازات خواهد شد و هر دستی که به وی آسیب برساند، قطع می‌گردد... زمان آن برای امت محمد (ص) فرا رسیده که از خواب برخیزند، پوشش بی‌آبرویی را از میان بردارند و گرد تحقیر و رسوایی را از تن بتکانند، زیرا دوران اندوه و ماتم به سر آمده و سپیده افتخار و غرور تازه‌ای پدیدار شده است.» داعش این‌گونه تبلیغ می‌کند که هدف از برپایی دولت اسلامی در سرزمین‌های عراق و سوریه و تلاش برای گسترش آن، بازیابی «عزت» و «کرامت» مسلمانان است که توسط اشغال‌گران صلیبی و متحدین صهیونیست و رافضی (شیعی) آنها و همچنین، حکومت‌های کافر جامعه جاهلی قرن بیست و یکم، لگد کوب و مخدوش شده و جامعه اسلامی به جای تکریم، از سوی جامعه جهانی مورد تحقیر قرار می‌گیرد.

گزاره چهارم این است که داعش محصول و ماحصل نحوه مدیریت تروریسم نوین و مقابله با آن از سوی غرب و در رأس آن آمریکا پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ است.

گزاره دوم این است که داعش از تمنای تاریخی ذهنیت جمعی جامعه سلفی اهل سنت برای احیای خلافت در دوره مدرن بهره می‌گیرد و بر موج آن سوار می‌شود. ۱۹۲۴ م، سال فروپاشی خلافت عثمانی بود و به جای آن نوعی جمهوری لائیک و ملی‌گرا در مسند قدرت در ترکیه نشست. از آن پس، آرمان احیای خلافت در نزد اندیشمندان و فعالان اجتماعی - سیاسی در سراسر جهان اسلام، به نوستالوژی تبدیل شد. یکی از دلایل تأکید داعش بر خلافت اسلامی و احیای آن در واقع، همین اشتها عمومی جامعه اهل سنت به احیای خلافت در عصر مدرن است. از سوی دیگر، داعش برای دستیابی به موقعیت هژمونیک در برابر دیگر گروه‌های جهادی و به ویژه در برابر سازمان تروریستی القاعده، نیاز به اعلام خلافت و تقاضا برای بیعت با آن در ابتدای مسیر فعالیت خود داشت.

گزاره سوم این است که داعش بر نوعی آسیب روان‌شناختی جامعه اسلامی یا مسلمانان سرمایه‌گذاری کرده است که این آسیب معلول تجاوزگری، اشغال‌گری و تحقیر و سرکوب جوامع شرقی و مسلمان از سوی قدرت‌های بزرگ و به ویژه غربی در طول تاریخ است و پتانسیل

به دولت‌های عرب و در نهایت، به دولت‌های شیعی و شهروندان شیعی منطقه خاورمیانه تغییر دهد و منحرف کند. مناسب‌ترین راه کار برای تحقق این هدف نیز نفوذ در درون این گروه‌ها و جریان‌سازی در میان آنهاست. از همین روست که بسیاری معتقدند صدور برخی فتاوا و احکام فقهی در القاعده عراق (نطفه شکل‌گیری داعش) مبنی بر این قاعده که «شیعه (به عنوان دشمن نزدیک) بر غرب (به عنوان دشمن دور) اولویت دارد»، محصول نفوذ و جریان‌سازی سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی غرب و دولت‌های عربی در این گروه‌ها و سازمان‌هاست. موضع داعش در قبال شیعیان نیز به آموزه‌های ابومصعب الزرقاوی، رهبر القاعده عراق و پدر معنوی داعش باز می‌گردد. الزرقاوی و القاعده عراق، نماد چرخش و تغییر آماج و اهداف القاعده از منافع دولت‌های عرب و سربازان آمریکایی در عراق به سمت شیعیان عراق و اهل تشیع منطقه به طور کلی بود. همین تغییر بود که به مهم‌ترین اختلاف میان رأس القاعده، ایمن الظواهری با القاعده عراق انجامید و منجر به استقلال القاعده عراق شد که نطفه شکل‌گیری داعش را رقم زد. الزرقاوی دشمن اول خود را شیعیان نامید و شیعه را خائن و منافق معرفی کرد. وی عموم شیعیان را تکفیر کرد و کشتن آنها را جایز شمرد.

گزاره پنجم این است که داعش و راهبردها و تکنیک‌های آن به منزله تکامل تکنیک‌ها و کنش‌های تروریستی در طول تاریخ روابط بین‌الملل است. الگوی کنش تروریستی داعش را می‌توان نوعی الگوی تلفیقی دانست که تلاش می‌کند با رهایی از نقاط ضعف الگوهای پیشین، نقاط قوت آنها را به هم آمیزد. در این صورت، می‌توان گفت الگوی کنش تروریستی داعش، «جهانی-محلی» است که در گذار از الگوی جهانی القاعده معنادار شده است. همچنانکه، جهانی شدن تروریسم در الگوی القاعده، در گذار از الگوی بین‌المللی تروریسم معنا می‌یافت. الگوی بین‌المللی تروریسم یا تروریسم بین‌المللی، گونه‌ها یا امواجی از تروریسم در حوزه روابط بین‌الملل است که این محیط تا پیش از ظهور پدیده جهانی شدن و مناسبات آن در دهه ۱۹۹۰، شاهد آنها بوده است. در چارچوب این پروسه، یعنی بین‌المللی شدن تروریسم، می‌توان به سه موج مشخص در تاریخ روابط بین‌الملل اشاره کرد که به ترتیب تاریخی عبارتند از امواج آنارشیستی، ضداستعماری و چپ جدید. تکنیک غالب کنش تروریستی در موج اول، قتل یا ترور شخصی بود. موج دوم با حمله به اهداف نظامی مشخص می‌شد که جای خود را به گروه‌گان‌گیری، هواپیمارایی و آدم‌ربایی در موج سوم داد. در سه دهه اول موج سوم، بیش از هفتصد هواپیمارایی اتفاق افتاد؛ ضمن آنکه در

در واقع، هجوم انتحاری به برج‌های مرکز تجارت جهانی و ساختمان وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، عمق نفوذپذیری و آسیب‌پذیری ایالات متحده را در حوزه امنیت داخلی نمایان ساخت. تا پیش از این، آمریکا متناسب با تعریف بین‌المللی محیط امنیتی خود، ساختارها و راهبردهای امنیتی خود را با هدف تأمین منفعت و رفع تهدید در ابعاد فراملی و برون‌سرزمینی تنظیم و تدوین کرده بود و در داخل، خود را روئین تن می‌پنداشت. رویداد یازده سپتامبر ضعف و سستی این پندار را آشکار کرد و ایالات متحده را بر آن داشت تا با تغییر جهت استراتژی خود به جای آنکه در پی پیشینه کردن منافع آمریکا در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی باشد، هجومی پیش‌دستانه به گروه‌های تروریستی و حامیان احتمالی آنها را در دستور کار قرار دهد تا امنیت داخلی این کشور بیش از این آسیب نبیند و به جای آنکه شهروندان آمریکایی در داخل خاک آمریکا در معرض تهدید باشند، سربازان آمریکایی در قلب خاورمیانه در معرض آماج حملات تروریستی قرار گیرند. راهبرد آمریکا در این چارچوب، دور کردن خطر به جای درگیر شدن با آن بود. دلیل اتخاذ این راهبرد آن است که در صورت درگیر شدن، اگر در کوتاه یا میان‌مدت نتوان این گروه‌ها را شکست داد، در بلندمدت به توانم‌شدن آنها می‌انجامد، در عین حال که هزینه درگیری با آن بسیار بالاست. راه کار دور کردن این خطر نیز دور کردن آماج و اهداف این گونه از تروریسم است. این همان راه کاری است که در دستور کار راهبرد ضد تروریسم غرب قرار گرفت و به تدریج توانست آماج و اهداف این گروه‌ها را از شهروندان غربی و آمریکایی و در داخل غرب، ابتدا به سربازان غربی و در منطقه خاورمیانه، پس از آن



غالب موارد، گروگان‌گیری هدف اصلی هواپیماریایی به شمار می‌رفت. به همین دلیل، بسیاری معتقدند گروگان‌گیری مشخصه یا تکنیک بارز موج سوم بود. تروریسم در گذار از قرن بیستم به قرن بیست و یکم، از تروریسم بین‌المللی به تروریسم جهانی تحول یافت و عامل این تحول، غیرسرمزینی شدن تروریسم در روابط بین‌الملل بود. بر این اساس، موج جدید یا الگوی جهانی، در عین آنکه مؤلفه‌هایی از امواج پیشین را با خود داشت، با ویژگی متمایزکننده افراط‌گرایی و فرقه‌گرایی مذهبی مشخص می‌شد. ایده‌هایی چون رویارویی تمدن‌ها و تروریسم مقدس، در همین راستا مطرح شدند؛ اما داعش، الگوی نوینی از کنش تروریستی را در تاریخ روابط بین‌الملل پی‌ریخته که می‌توان آن را «الگوی جهانی - محلی» نامید. در عین حال، عنصر کاملاً متمایز داعش از الگوها و امواج پیشین تروریسم، تکنیک آن است. با مرور کنش‌های تروریستی داعش در یک سال اخیر، می‌توان دریافت که تکنیک خاص این گروه در تمایز با گونه‌های پیشین، «کشتن از راه نزدیک» است.

گزاره ششم این است که داعش از جنگ نیابتی موجود در منطقه میان قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای بهره می‌برد و در هر صحنه و میدانی تلاش می‌کند مطابق منافع بخشی از بازیگران عمل کند و از این روی یکی از دلایل بقای آن تا کنون همین نحوه بازیگری بوده است. هرچند هدف اصلی و کلی آن، شیعیان منطقه و جمهوری اسلامی ایران است.

گزاره هفتم این است که داعش از دو عارضه کلی در منطقه سود می‌برد و برای بقای خود از آنها تعذیه می‌کند. عارضه نخست، اختلاف شیعیان و اهل سنت منطقه است که ماهیتی مذهبی و قومی دارد و تداوم و تعمیق آن موجب حیات و فربهی داعش است. عارضه دوم نیز ساختگی بودن دولت - ملت‌های منطقه و مصنوعی بودن مرزهای آنهاست که ماهیتی جغرافیایی دارد و موجب تنش‌ها و اختلاف‌های ارضی و مرزی بسیاری در منطقه شده است. مهم‌ترین عنصر ملی‌گرایی که در گفتمان داعش طرد می‌شود، موافقتنامه سایکس - پیکوست که مبنای شکل‌گیری نظم وستفالیایی مبتنی بر مرزهای ملی در خاورمیانه به شمار می‌رود. موافقتنامه سایکس - پیکو، در واقع، بر پایه نوعی سازش سرّی در سال ۱۹۱۶ میان دولت‌های انگلیس و فرانسه با اطلاع روسیه منعقد شد تا پس از سرنگونی احتمالی امپراطوری عثمانی در جنگ جهانی اول، قلمرو این امپراطوری را میان خود تقسیم کنند. بر مبنای این توافق، سوریه و لبنان تحت نفوذ فرانسه قرار گرفتند و عراق، اردن و فلسطین به قیمومیت انگلیس درآمدند و با ترسیم خطوطی مستقیم، مرزهای آنها از یکدیگر جدا شد تا به تدریج، به عنوان دولت‌های ملی مستقل شناخته شدند.

گزاره هشتم این است که داعش بیش از هر چیز یک موجود اطلاعاتی و امنیتی است که از پوشش‌های عقیدتی - ایدئولوژیک و جنگاورانه (جهادی) استفاده می‌کند و نه بالعکس. به بیان دیگر، نباید پنداشت داعش ماهیتی عقیدتی - جهادی دارد که از ابزارهای اطلاعاتی و امنیتی استفاده می‌کند؛ کما اینکه داعش تا کنون هیچ منطقه‌ای را در یک جنگ واقعی تصرف نکرده و در همه موارد بدون درگیری پیروز شده است. در واقع، عمده گروه‌های تکفیری که در شرایط کنونی تشکیل شده یا به فعالیت می‌پردازند، ماحصل شکست جماعت اخوان المسلمین در فعالیت‌ها و مبارزات خود در دوره جمال عبدالناصر و پس از آن در مصر هستند. اخوان المسلمین، پس از این شکست‌ها و انشعاب‌ها به این نتیجه رسید که وارد فعالیت پنهانی شود. پس از آن بسیاری از گروه‌هایی که از دل اخوان در سراسر جهان عرب برآمدند و به ویژه گروه‌های تکفیری، بعد اطلاعاتی فعالیت خود را بسیار جدی گرفتند و در آوردگاه‌های مختلف اعم از جنگ‌ها و عملیات تروریستی (از نبرد با روس‌ها در افغانستان تا امروز) از تجربیات اخلاف خود بسیار بهره گرفتند و امروزه به نوعی انباشت سرمایه اطلاعاتی در این حوزه دست یافته‌اند.

گزاره نهم این است که داعش هویتی جهانی - محلی دارد و مداوم در میان این دو فضا در حال بازیگری و رفت و آمد است. به بیان دیگر، هم سرزمین پایه است و بر منطقه شامات به مثابه سرزمین هجرت و خلافت تأکید دارد و هم از امکانات و قابلیت‌های جهانی شدن سود می‌برد و محیط امنیتی و بازیگری خود را در عرصه جهانی تعریف می‌کند؛ اگرچه هدف از بازیگری در عرصه جهانی، تثبیت موقعیت محلی است.

نیست. این همکاری‌ها را می‌بایست حداقل در چهار حوزه تعریف و برای تحقق آنها برنامه‌ریزی نمود. حوزه نخست، همکاری‌های اطلاعاتی است که مرکز اطلاعاتی بغداد، نمونه مناسبی در این خصوص است، اما کافی نیست و دامنه کشورهای همکاری‌کننده می‌بایست افزایش یابد. حوزه دوم، تلاش برای گسترش دیپلماسی و برقراری نوعی صلح و نظم نوین منطقه‌ای در خاورمیانه با مشارکت همه قدرت‌های منطقه‌ای است تا داعش نتواند از شرایط بی‌نظمی و جنگ نیابتی سود برد. حوزه سوم نیز همکاری در نبرد مستقیم نظامی با داعش است، به گونه‌ای که همه کشورهای در معرض تهدید، هزینه متناسب را بپردازند و ایران در کانون نبرد با داعش قرار نگیرد. حوزه چهارم نیز نوعی همکاری جهانی برای قطع جریان‌های اقتصادی و منابع درآمدی داعش است.

اصل سوم این است که استراتژی ضد داعش می‌بایست کلیت و جزئیات را توأم پوشش دهد و جامع و فراگیر باشد. به بیان دیگر تمامی ابعاد و چهره‌های داعش را موضوع مقابله هم‌زمان و بدون تناقض قرار دهد و به جای مدیریت صحنه عملیاتی که عموماً در این گونه موارد متداول است، باید به مدیریت پدیده، در کلیت آن پرداخت. دلیل این امر آن است که بعد تروریستی - نظامی، تنها یکی از ابعاد هفت‌گانه تروریسم تکفیری است که مقابله صرف با آن بدون مواجهه و مدیریت دیگر ابعاد شش‌گانه‌اش، نمی‌تواند قرین موفقیت باشد و می‌تواند به نیرومندتر شدن آن بیانجامد. شش بعد دیگر از این گونه تروریسم عبارتند از بعد سیاسی - اداری، بعد اقتصادی - مالی، بعد جغرافیایی - ژئوپلیتیک، بعد اطلاعاتی - روان‌شناختی، بعد رسانه‌ای - مجازی و بعد بینشی - ایدئولوژیک. مبتنی بر این ابعاد هفت‌گانه، تروریست‌های تکفیری که نماد کنونی آنها داعش است، در شرایط کنونی، از چهار چهره مختلف بهره می‌برند که مقابله با یکی از آنها بدون در نظر گرفتن سایر چهره‌ها، استراتژی ضد داعش را عقیم ساخته و آن را با ناکامی مواجه می‌کند. این چهره‌ها عبارتند از یک، داعش به مثابه دولت سیاسی (گرچه از سوی دیگران به رسمیت شناخته نشده، اما تلاش می‌کند کارکردهای دولت را ایفا کند)؛ دو، داعش به مثابه گروه جنگ‌سالار و شورشی در سطح ملی؛ سه، داعش به مثابه گروه تروریستی در سطح جهانی و چهار، داعش به مثابه حاملان و انتشاردهندگان ایدئولوژی و برداشت خاصی از اسلام. بر این اساس، هر راهبرد ضد داعش می‌بایست همه این ابعاد و چهره‌ها را در کلیت آنها دربرگیرد و مدیریت کند و به مدیریت صرف صحنه عملیاتی محدود نشود.

اصل چهارم این است که رویکرد اصلی حاکم بر استراتژی

گزاره دهم این است که داعش در شرایط کنونی، همه عناصر تشکیل‌دهنده دولت و حکومت را جز عنصر شناسایی فراهم آورده و در قامت یک دولت دوفاکتو ظاهر شده است. جمعیت، سرزمین، حکومت، درآمد اقتصادی و نیروی نظامی از این جمله است؛ گرچه به هر ترتیب، فاقد مشروعیت بین‌المللی می‌باشد.

### اصول راهنمای راهبرد ضد داعش

اکنون با توجه به تبیین چستی داعش و نحوه شکل‌گیری آن و همچنین، تهدیدات متصور آن برای جمهوری اسلامی ایران، می‌توان به اصول راهنمای تدوین استراتژی ضد داعش پرداخت. برای این منظور می‌توان حداقل به پنج اصل اشاره کرد:

اصل اول این است که در تدوین استراتژی ضد داعش می‌بایست بر اولویت پیش‌گیری بر واکنش تمرکز نمود. هر راهبرد ضد تروریستی را می‌توان به سه بخش پیش‌گیری، حفاظت و واکنش یا پاسخ‌دهی تقسیم کرد. مقولاتی چون پیش‌بینی یا برآورد و پیش‌دستی نیز در همان مرحله پیش‌گیری معنا می‌یابند. مهم‌ترین نکته در ضد تروریسم تکفیری آن است که کانون این راهبرد می‌بایست بر پیش‌گیری بنا شود نه واکنش. دلیل این امر آن است که چنانچه تروریست‌های تکفیری موفق شوند عملیات یا حملات خود را محقق کرده و وارد فاز عملیاتی شوند، مقابله با آنها بسیار دشوار شده و غالباً به نتیجه مورد نظر منتهی نمی‌شود و یا در صورت موفقیت، بسیار زمان‌بر و با هزینه بالا خواهد بود. موقعیت داعش در عراق در یک سال گذشته، مؤید این نکته است.

اصل دوم این است که بدون تنظیم نوعی همکاری‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، تدوین و توفیق استراتژی ضد تروریسم داعش ممکن



اجتهاد در چارچوب گفتمانی خود و متناسب با مزیت‌های راهبردی خود در این عرصه در سطح جهانی و به ویژه در مواجهه با گفتمان سلفی تکفیری داشته باشد.

### نتیجه‌گیری

مبارزه با داعش، مبارزه‌ای طولانی‌مدت و همراه با هزینه بالا خواهد بود. دلیل این امر آن است که داعش، چنانکه گفته شد، بر برخی از نیازها و روابط طبیعی و واقعی جوامع منطقه سرمایه‌گذاری کرده و از آنها تغذیه می‌کند. این ویژگی موجب می‌شود بازیگری که با این گروه تروریستی درگیر می‌شود، به تدریج با کمبایی منابع مواجه شود. بنابراین، ناگزیر خواهد بود به اولویت‌بندی مسائل از یک سو و جلب منابع دیگر بازیگران از سوی دیگر پردازد. در این صورت، باید تأکید نمود که اولاً نباید مقابله با تهدیدات نرم به فراموشی سپرده شود و صرفاً بر تهدیدات سخت و آن هم در عرصه میدانی تمرکز گردد و ثانیاً نمی‌بایست بازی در عرصه میدانی به گونه‌ای طراحی گردد که به تدریج، ایران به نوک پیکان مقابله با داعش تبدیل گردد و دیگر بازیگران در نقش تماشاچی یا مشوق و یا حتی در وضعیت حداکثری، صرفاً به پشتیبان این نبرد تبدیل شوند و منابع خود را در اختیار بگذارند. ایران می‌بایست همواره در عرصه میدانی در پوشش یک ائتلاف منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای با داعش درگیر شود؛ همچنان که تا کنون، با هوشیاری تلاش کرده است که این گونه باشد.

ضد داعش می‌بایست رویکرد اطلاعاتی - امنیتی باشد. در واقع، چنانکه گفته شد، گروه‌های تکفیری واجد تاریخی طولانی از تجربه کار اطلاعاتی و تلاش برای انباشت این تجربه هستند و با گروهی که وارد فاز اطلاعاتی می‌شود، جز با رویکرد اطلاعاتی نمی‌توان به مقابله پرداخت. اتخاذ رویکرد اطلاعاتی در این خصوص، بدین معناست که با بهره‌گیری از شیوه‌ها و تاکتیک‌های مختلف اطلاعاتی از جمله جمع‌آوری، تحلیل، تخمین، هشدار، نفوذ، جریان‌سازی و...، اولاً مانع از شکل‌گیری گروه‌های تکفیری و جمع‌شدن افراد دور هم برای تکوین این گروه‌ها شد و ثانیاً در صورت شکل‌گیری و تکوین این گروه‌ها، مانع از به نتیجه رسیدن و تصمیم‌گیری آنها برای انجام حمله تروریستی به اهداف و مقاصد خودی شد.

اصل پنجم این است که استراتژی جمهوری اسلامی بر ضد داعش می‌بایست عناصر نرم را نیز در برگیرد و به ویژه شامل نوعی بازتولید گفتمانی جمهوری اسلامی در برابر تهدید مصادره گفتمانی عناصر و مفاهیم بارزش جمهوری اسلامی از سوی داعش باشد. به بیان دیگر، جمهوری اسلامی می‌بایست مزیت راهبردی گفتمان خویش را در برابر تلاش داعش بازنمایی کند. بازتولید گفتمانی جمهوری اسلامی، به ویژه با تأکید بر دو مؤلفه «فرافقهی بودن جمهوری اسلامی» و «مردم‌سالارانه بودن» آن ممکن می‌شود. این دو مؤلفه‌ای است که گفتمان ترویجی داعش تاب هم‌آوردی با آن را ندارد و در صورت نزدیک‌شدن به آنها بنایش فرو خواهد ریخت. بر این اساس، در مواجهه گفتمانی جمهوری اسلامی با گفتمان دولت اسلامی داعش، آنچه می‌تواند به بازتولید هژمونی گفتمان جمهوری اسلامی بیانجامد، تحقق شرایطی است که این هژمونی بر مبنای آنها شکل گرفته است. هژمونی هر گفتمانی معلول دو شرط در دسترس بودن عناصر گفتمانی و قابلیت فراگیر شدن یا عمومی شدن آنهاست. بر این اساس، روایت داعش از عناصر گفتمانی دولت اسلامی همچون جهاد، شهادت‌طلبی، امر به معروف و نهی از منکر و... به هیچ عنوان قابلیت فراگیر شدن و عمومی شدن در میان مسلمانان را به ویژه در بلندمدت ندارد، زیرا روایت داعش از این مفاهیم از یک سو با چاشنی خشونت و تبدیل این مفاهیم به ارباب و ارباب، آنها را به ابتذال کشیده و از سوی دیگر در برپایی دولت اسلامی هیچ جایگاهی برای عنصر «اختیار» قائل نیست و به صراحت، دموکراسی و مردم‌سالاری را از آن کافران نامیده است. جمهوری اسلامی ایران نیز امروزه علاوه بر تمرکز بر بازتولید نسلی وفادار به گفتمان انقلاب اسلامی می‌بایست سرمایه‌گذاری مناسب و مؤثری بر زاینده‌گی فکری - فقهی یا